

ریزش طبقه متوسط و تهی‌دستان نوظهور شهری (مطالعه موردی: تهران)

هادی میری آشتیانی*

چکیده

افزایش قابل توجه نرخ تورم از سال ۱۳۹۶ تاکنون تبعات زیادی برای جامعه‌ی ایران به همراه داشته است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تأثیر بر طبقه‌ی متوسط شهری و تغییراتی بوده است که متعاقب آن در سبک زندگی، نحوه‌ی مصرف و ترکیب سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی ایشان به وجود آمده است که افزایش آسیب‌پذیری مالی و هم‌زمان دشواری حفظ سبک زندگی پیشین را به همراه داشته است که در نهایت می‌تواند منجر به ریزش طبقه‌ی متوسط شود. برای بررسی این موضوع و تحلیل تغییرات رخ داده در زیست طبقه‌ی متوسط شهری، سعی شده است با استفاده از نظریات پیر بوردیو پیوندی بین سبک زندگی و تحلیل طبقاتی برقرار شود. در این مقاله در قالب پژوهشی کیفی و به کمک نظریه‌ی داده‌محور به شناسایی عوامل موثر بر ریزش طبقه‌ی متوسط شهری و ایجاد تهی‌دستان جدید شهری پرداخته شده است. بیکاری، تغییر در وضعیت اشتغال (کارهای پاره‌وقت، کاهش حقوق، موقتی‌سازی کار و...) و کاهش سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی زمینه‌ی ریزش طبقه‌ی متوسط را فراهم می‌کند. قوانین حمایتی ناکارآمد و کاهش حمایت دولت، دست کارفرما را برای تغییر شرایط کار باز گذاشته و به افزایش بیکاری منجر می‌شود. مشکلات تأمین مالی در شرایط بحران (مانند هزینه‌ی درمان، خرید کالاهای ضروری، افزایش اجاره‌بها و...) و افزایش قیمت کالاها و خدمات، سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی افراد را کاهش داده و آن‌ها را بیش از پیش در شرف ازدست‌دادن جایگاه طبقاتی‌شان قرار می‌دهد. بحران‌های ساختاری اقتصاد ایران و ریسک سرمایه‌گذاری در دوران تحریم عوامل ساختاری موثر بر بروز مقولات علی هستند که زمینه را برای بیکاری و کاهش سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌کنند. در نهایت در این ارائه پیامدهای ریزش طبقه‌ی متوسط شهری که شامل تغییرات در سبک زندگی، بدمسکنی و مهاجرت به پیرامون، سلب مالکیت از توده‌ها، اختلال در بازتولید اجتماعی نیروی کار و حاشیه‌ای شدن آن و افزایش شیوه‌های خشونت‌آمیزتر مقاومت و اعتراض هستند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. با توجه به ماهیت این پژوهش، محدودیت شمار مصاحبه‌شوندگان و قلمرو تحقیق (شهر تهران)، تعمیم یافته‌های این پژوهش و دستیابی به نظریه‌ای با رویی و پایایی بالا، نیازمند پژوهش‌هایی به مراتب گسترده‌تر و جامع‌تر است.

کلیدواژه‌ها: ریزش طبقه‌ی متوسط، تهی‌دستان جدید، تحلیل طبقاتی، سبک زندگی

* کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، کارشناس ارشد مطالعات اجتماعی از ایران آکادمیا

مقدمه

در دهه‌ی گذشته وضعیت طبقه‌ی متوسط در سراسر دنیا بغرنج بوده است و به کرات به عنوان مسأله‌ی مهم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. پارتسونزلی به این نکته اشاره کرده که این پدیده با نام‌های متفاوتی نظیر محوشدن طبقه‌ی متوسط و طبقه‌ی متوسط در تنگنا به عنوان یکی از مشکلات کشورهای صنعتی مورد توجه قرار گرفته است؛ وضعیتی که ناشی از عدم تعادل بین دستمزدها و قیمت کالا و خدمات است.¹ در ایران، بحران‌های اقتصادی و سیاسی دهه‌ی ۹۰ شمسی فشارهای زیادی بر طبقه‌ی متوسط و فرودست وارد کرد. دو شوک قیمتی که یکی در سال ۹۱ و دیگری از اواخر سال ۹۶ ایجاد شدند، روزبه‌روز عرصه را بر شهروندان ایرانی تنگ‌تر کرد، به گونه‌ای که برخی از تبخیر طبقه‌ی متوسط هم یاد کرده‌اند.² [مقاله‌ی حاضر، بر اساس پژوهشی در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ شکل گرفته است، بنا دارد عوامل تأثیرگذار بر این موضوع، تغییرات سبک زندگی و زمینه‌های شکل‌گیری تهی‌دستان جدید را شناسایی کند. در این پژوهش کیفی که با اتکا به مصاحبه‌هایی با ۲۸ نفر در تهران انجام گرفته، کوشیده شده است با بهره‌گیری از روش نظریه‌ی داده‌محور و مدل طبقاتی بوردیو پیوندی بین سبک زندگی و تحلیل طبقاتی برقرار شود.

رویکرد طبقاتی

در این پژوهش مدل طبقاتی بوردیو به تعبیر اریک اولین رایت در کتاب «رویکردهای تحلیل طبقاتی» مورد نظر بوده است. بوردیو عقیده دارد تحلیل طبقاتی را نمی‌توان به تحلیل اقتصادی صرف تقلیل داد، بلکه مشابه کار وبر در تحلیل پایگاه‌های منزلتی، او هم اعتقاد داشت که باید تحلیل مناسبات

فرهنگی نمادین در کنار تحلیل اقتصادی مد نظر قرار گیرد.³ از دید بوردیو تفاوت پایگاه یا همان سبک‌های متفاوت زندگی، باز نمودی از تفاوت در طبقه‌ی افراد است. به عقیده‌ی رایت، حسن دیگر مدل طبقاتی بوردیو این است که در آن مشکل اکثر نظریات مارکسی طبقه یعنی نحوه‌ی برخورد با موقعیت‌هایی که در آن تقسیم کار بر حسب تفکیک متداول بین مالکان و کارگران قابل تشخیص نیست، وجود ندارد. این مدل نه تنها مشاغل طبقه‌ی متوسط - که مهم‌ترین محدودیت مدل‌های طبقاتی مارکسی است- را در بر می‌گیرد، بلکه مشاغلی که در اکثر طرح‌ها مغفول واقع شده‌اند، مانند مشاغل دولتی و نیز هنرمندان و روشنفکران هم تحت شمول این مدل قرار می‌گیرند.

مدل ساختار طبقاتی بوردیو شامل جایگاه‌های متفاوتی است که از ترکیب دو سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی تمامی افراد جامعه در تمامی موقعیت‌های شغلی شکل گرفته است. این مدل از سه محور تشکیل شده است. محور اول که تشکیل‌دهنده‌ی طبقات است، افراد را بر حسب کل سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی‌شان طبقه‌بندی می‌کند.⁴ محور دوم موقعیت‌های افراد را درون هر طبقه مشخص می‌کند. بوردیو برای ارجاع به این مفهوم از واژه‌ی مارکسی پاره‌طبقه‌ها استفاده می‌کند. به نظر بوردیو مشاغل درون هر طبقه براساس ترکیب سرمایه‌ی افراد تقسیم می‌شوند.⁵ محور سوم مدنظر بوردیو، معرف سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی خاستگاه خانوادگی افراد است. این محور موقعیت‌ها را براساس مسیرهایی که اشغال‌کنندگان موقعیت‌ها طی می‌کنند تبیین می‌کند. به عبارت دیگر بوردیو با استفاده از این محور نشان می‌دهد که چه تغییراتی در ساختار سرمایه‌ی افراد (از نظر حجم و ترکیب آن‌ها) رخ می‌دهد. از خلال این کار، امکان مطالعه‌ی

1 Leigh et al, "Caught in between", 1

3 Olin Wright, "Approaches", 128

4 Bourdieu, "Distinction", 129

5 Wright, "Approaches", 134

۲ بخارایی، "تبخیر طبقه‌ی متوسط"

مالجو تهی‌دستان را کسانی می‌داند که مطلقاً از سه منبع اصلی قدرت یعنی سرمایه‌ی مادی، دانش و مهارت واجد مبادله در بازار کار و اقتدار سازمانی خواه در نهاد دولت و خواه در سایر نهادها، نابرخوردارند^۱. بنابراین با ارجاع به این دو تعریف، در این پژوهش تهی‌دستان جدید حاصل از ریزش طبقه‌ی متوسط کسانی قلمداد می‌شوند که اولاً به دلیل از دست‌دادن کار و درآمد، به جایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین‌تری سقوط کرده‌اند، ثانیاً مشکلات اقتصادی باعث ناامنی در شرایط عینی زندگی‌شان شده است (فروش اموال و دارایی‌ها، مسکن، مهاجرت به نقاط حاشیه‌ای و...) و ثالثاً به دلیل از دست‌دادن شغل، بی‌ثبات‌کاری و... فاقد قدرت هستند. این پژوهش نشان می‌دهد پیامدهای بحران اقتصادی سال‌های ۹۶ و ۹۷ منجر به پدیدآمدن طبقه‌ی تهی‌دست جدیدی شده است که نه تنها کارگران صنعتی و افراد فاقد امتیاز، بلکه کارمندان رده‌پایین بخش‌های خدماتی، صاحبان مشاغل آزاد و یا کارمندان متخصص بخش خصوصی و نیمه‌خصوصی را هم در بر می‌گیرد که به واسطه‌ی وخامت شرایط اقتصادی بیکار شده، یا کسب‌وکار خود را از دست داده‌اند. بسیاری از آن‌ها به واسطه‌ی اختلال در بازتولید اجتماعی نیروی کار، از چرخه‌ی جستجوی کار خارج شده و امکان بازگشت دوباره به آن را نخواهند داشت.

شرایط علی

کاهش سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی، یکی از مهم‌ترین دلایل ایجاد تهی‌دستان جدید است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به عواملی اشاره کرده‌اند که بیانگر کاهش سرمایه‌ی اقتصادی و اجتماعی آن‌ها بر اثر بحران‌های متعدد سال ۱۳۹۶ به این سو است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که درآمد سرانه‌ی کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ کاهش ۳۴ درصدی را تجربه کرده است. در واقع علی‌رغم افزایش درآمد اسمی خانوارها قدرت

تغییر در جایگاه طبقاتی و پاره‌طبقاتی فرد میسر می‌شود. بورديو امکان تغییر در جایگاه پاره‌طبقه‌ای افراد را فرایند تبدیل سرمایه می‌خواند^۲.

طبقه‌ی متوسط

معیارهای استفاده‌شده در این پژوهش برای شناسایی طبقه‌ی متوسط از دل این تحلیل طبقاتی استخراج شده‌اند. جایگاه طبقاتی افراد بر اساس نوع شغل، میزان درآمد، وضعیت اشتغال، مسکن و تحصیلات آن‌ها مشخص شد و برای تشخیص اولیه‌ی که آیا این افراد نمونه‌های مناسبی برای طبقه‌ی متوسط در تنگنا هستند، از معیارهایی مانند بیکاری طولانی‌مدت، از دست‌دادن مسکن و مهاجرت به حاشیه‌ی شهرها استفاده شد. بعدها در جریان مصاحبه‌ها و با کسب اطلاعات بیشتر متغیرهای دیگری مانند ترک تحصیل فرزندان یا افراد مصاحبه‌شونده، اضطراب مالی، یا سلب مالکیت به سبب تورم نیز به آن اضافه شد.

نتایج پژوهش

تحلیل مصاحبه‌ها و بررسی اسناد مرتبط بر اساس فرآیند کدگذاری و روش داده‌محور انجام شد و ۱۶ کد نهایی استخراج شد که در ۵ دسته‌ی پدیده‌ی اصلی، مقولات علی، زمینه‌ها، ساختارها و پیامدها قرار گرفتند.

پدیده‌ها

دو پدیده‌ی اصلی این پژوهش، طبقه‌ی متوسط در تنگنا و تهی‌دستان جدید هستند. برای شناسایی تهی‌دستان جدید کوشیده‌ام بین دو تعریف از تهی‌دست پیوند برقرار کنم. آصف بیات اعتقاد دارد تهی‌دست مفهومی اقتصادی نیست و در درجه‌ی اول به هویتی فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد که اساساً به دلیل درآمد و جایگاه اجتماعی پایین و شرایط ناامنان‌شناسی می‌شوند^۳. از طرف دیگر محمد

1 Wright, "Approaches", 134

۲ بیات، «سیاست‌های خیابانی»، ۵۴

۳ مدنی، «آتش خاموش»، ۴۸

است و حاصل وضعی است که مشروعیت سرمایه زیر ضرب رفته و تولید و انباشت مختل می‌شود. بحران درون‌تایی که در ابتدای انقلاب ۵۷ برای اقتصاد ایران رخ داد، از سال ۱۳۹۷ به شکل متفاوتی بروز پیدا کرده است. ناتوانی حکومت در برقراری امنیت، بحران‌های موسسات مالی، بحران‌های اجتماعی مانند دی‌۹۶، اعتراضات سال ۹۷ و اعتراضات بنزینی آبان ۹۸ و اعتراضات سال ۱۴۰۱ از مهم‌ترین نشانه‌های ناتوانی دولت در مهار بحران‌های اقتصادی و اجتماعی است. متعاقب آن با افزایش تحریم‌ها و تنش‌های منطقه‌ای، پیشبرد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (که منجر به گذر از برون‌تایی شده)، کاهش شدید سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و بحران اقتصادی ناشی از تعطیلی کسب‌وکارها به واسطه‌ی بیماری کرونا منجر به رکود اقتصادی است. بحران درون‌تایی ساختاری فعلی در اقتصاد ایران البته تفاوت‌های عمده‌ای با بحران سال‌های ابتدایی انقلاب دارد. در سال‌های ابتدایی انقلاب، گفتمان غالب، سرمایه‌داری نبود و سیاست‌های اعمال‌شده در آن زمان نیز از آن پشتیبانی نمی‌کرد، در حالی که در بحران سال‌های ۹۶ به بعد، در عین تبعیت از سیاست‌های سرمایه‌دارانه، امکان انباشت فراهم نشده است و به تولید نیز لطمه‌های جدی وارد شد.

دومین عامل ساختاری مهم اثرات تحریمی بر کسب‌وکارها است. افزایش نرخ ارز، دشواری در تأمین هزینه‌های مالی، کاهش سرمایه‌گذاری و خروج سرمایه از کشور به دلیل ناامن بودن فضای سرمایه‌گذاری در کشور بخشی از تبعات تحریم است. تحریم اقتصاد ایران را از تعادل خارج کرد. زمانی که اقتصاد از حالت تعادل خود خارج می‌شود، پیامدهایی مانند تورم، رکود، بیکاری، تراز منفی تجاری و سقوط میزان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی

خرید آن‌ها تقریباً به یک‌سوم کاهش پیدا کرده است.^۱ ترک تحصیل فرد یا فرزندان به دلیل کمک به وضعیت اقتصادی و کاهش سرمایه‌های ریالی نمونه‌هایی از این کاهش به شمار می‌روند. بیکاری دومین عامل مهم در ایجاد تهی‌دستان جدید است. نزدیک به ۷۰ درصد مصاحبه‌شونده‌ها سابقه‌ی بیکاری بلندمدت (بیش از ۶ ماه) پس از بحران‌های اقتصادی سال ۱۳۹۷ به بعد را داشته‌اند و به واسطه‌ی دشواری در یافتن کار از چرخه‌ی جمعیت فعال جویای کار خارج شده‌اند. سومین عامل وضعیت اشتغال افراد است. بسیاری از افراد بر اثر ماهیت کار و یا تغییراتی که در وضعیت اشتغالشان رخ داده است، مشکلات بسیاری را تجربه کرده‌اند. کم شدن مدت قرارداد، تمدیدهای یک‌ماهه و سه‌ماهه‌ی قرارداد، افزایش کنترل کارفرما بر روی کار، بی‌ثبات کاری، اشتغال به مشاغل با تخصص پایین و یا کاهش دستمزد در مقایسه با کار مشابه قبلی از عواملی است که تأثیر مستقیم بر وضعیت طبقاتی فرد می‌گذارد و در مصاحبه‌ها به آن اشاره شده است.

شرایط ساختاری

اگرچه سیاست‌های کلی اقتصادی، هم‌چنان از اصولی مشابه با آنچه پس از پایان جنگ ۸ ساله پی‌ریزی شد، تبعیت می‌کند، در بسیاری از عرصه‌های زندگی اجتماعی شاهد سیاست‌گذاری‌های نئولیبرال هستیم و فرایند کالایی‌شدن حتی در حوزه‌هایی مانند بهداشت و درمان و آموزش که به عموم مردم مرتبط می‌شود، به سرعت در حال گسترش است، اما در عین حال نشانه‌هایی از بحران درون‌تایی ساختاری نیز مشاهده می‌شود. بحران درون‌تایی ساختاری در اقتصاد ایران توسط بهداد و نعمانی در کتاب طبقه و کار مطرح شده است. آن‌ها عقیده دارند بحران اقتصادی پس از انقلاب ناشی از بحران ساختاری پساانقلابی است. این بحران نتیجه‌ی کشاکش‌های علنی اجتماعی

۱ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «چالش‌ها»، ۱۴

۲ بهداد و نعمانی، «طبقه و کار»، ۲۳

کار بیکار می‌شدند، کارفرمایان با اخذ نامه‌ی استعفا از آنان، موانعی برای دریافت بیمه‌ی بیکاری ایجاد می‌کردند. در حالی که تلاطم‌های اقتصادی دهه‌ی ۹۰ شمسی، ضریات سنگینی به طبقات متوسط و پایین ایران وارد کرده است، سیاست‌گذاری‌ها در این دوره بر شدت وخامت اوضاع اقتصادی افزوده است. مسلمیان در مقاله‌ی خود به این سیاست‌گذاری‌ها اشاره کرده و نتیجه گرفته است که به طور کلی سیاست‌های نتولیرال اقتصادی برای گردش آزاد سرمایه، نیروی کار و کالاها منجر به رشد اختلاف طبقاتی و اضمحلال سیستم‌های حمایتی مانند تامین اجتماعی می‌شود.^۲

پیامدها

از مهم‌ترین پیامدهای این وضعیت تغییر الگوهای مهاجرت در ایران، افزایش مهاجرت به پیرامون و شیوه‌های بدیل سکونت نظیر پشت‌بام‌خوابی، کانکس‌خوابی، هم‌خانگی، ماشین‌خوابی و ... است که توسط مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره شده است. غالب این افراد به دلیل از دست دادن شغل، خانه‌های استیجاری خود را از دست داده، تعدادی از آنها خانواده‌ی خود را به شهرستان یا منزل والدین فرستاده‌اند و به دلیل احتیاج به درآمد، بیکاری ادامه‌دار و با کمبود مهارت مجبور به کارهای پاره‌وقت، بی‌ثبات کاری و یا کارهای با مهارت پایین‌تر شده‌اند. درآمد حاصل از این کارها کفاف اجاره‌ی خانه در تهران را نداده و به دلیل نبود فرصت‌های شغلی بسیاری از آنها حتی به فکر رفتن به شهرهای دیگر هم نیستند. بنابراین به شیوه‌های بدیلی مانند پشت‌بام‌خوابی روی آورده‌اند.

یکی از برجسته‌ترین تفاوت‌های تهی‌دستان جدید ناشی از ریزش طبقه‌ی متوسط، تمایل آنها

گریبان‌گیری‌شان خواهد شد^۱. با شدت یافتن تحریم‌های اقتصادی بسیاری از کسب‌وکارها یا دامنه‌ی فعالیتشان محدود شد و یا به فعالیت خود پایان دادند. برخی از مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش به تأثیرات تحریم در از دست دادن مشاغلشان اشاره کرده‌اند.

شرایط زمینه‌ای

از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ریزش طبقه‌ی متوسط شهری، آسیب‌پذیری مالی و قرارگرفتن در تنگناهایی است که باعث دشوارشدن حفظ سبک زندگی این طبقه می‌شود^۳. زمانی که درآمدها کاهش پیدا می‌کند و هم‌زمان بر میزان بدهی‌ها افزوده می‌شود، بحران‌هایی که فوریت بالایی دارند مانند ورشکستگی، بیماری خود یا نزدیکان، تصادفات و سوانح باعث می‌شوند فشار بر روی این طبقه مضاعف شود^۴. افزایش قیمت کالاها و خدمات عامل دیگری است که بر روی کاهش سرمایه‌ی افراد تأثیرگذار بوده است. اکثر آنها این نکته را مطرح کرده‌اند که مخارج آنها بسیار بیشتر از درآمدهایشان افزایش داشته است و روز به روز از قدرت خریدشان کاسته می‌شود.

فقدان قوانین حمایتی و کاهش حمایت دولت عامل زمینه‌ای دیگر بر سازنده‌ی تهی‌دستان جدید است. عدم وجود قوانین حمایتی خصوصاً برای کسانی که کارشان را از دست داده و از لحاظ اقتصادی بسیار آسیب‌پذیر هستند، توسط تعدادی از مصاحبه‌شوندگان بیان شده است. گرفتن بیمه‌ی بیکاری، وقتی قرارداد رسمی با کارفرما وجود ندارد و یا قرارداد کوتاه مدت با فرد منعقد شده است، کار دشواری است. در بسیاری از موارد مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره کردند که حتی زمانی که علی‌رغم میل باطنی و به وسیله‌ی کارفرما از

۱ بابایی‌مهر و اسماعیلی‌نسب، «تحریم‌ها»، ۹-۱۱

2 Cohen, "Economically Insecure", 1

3 Scott and Pressman, "Double Squeeze", 335

۴ مسلمیان، «نتولیرالیسم»

کاهش قدرت خرید و در نتیجه کاهش تقاضای داخلی مؤثر که خود را در سلب مالکیت از طبقه‌ی متوسط و طبقات پایین نشان می‌دهد، باعث خواهد شد برآورده شدن احتیاجات طبقه‌ی متوسط روزبه‌روز سخت‌تر شده و افراد این طبقه در تلاش برای تطبیق با وضعیت جدید، دشواری‌های زیادی تجربه کنند.^۱ از دسترس خارج شدن بسیاری از امکانات زندگی بر اثر تورم کالاها و خدمات، بر حجم نارضایتی افراد خواهد افزود و امید به آینده‌ای مطمئن برای خود و خانواده‌شان را از ایشان سلب خواهد کرد.

اختلال در بازتولید اجتماعی نیروی کار و حاشیه‌ای شدن آن هم به عنوان یکی دیگر از پیامدهای این بحران عمیق در ایران خواهد بود. با خروج بسیاری از شرکت‌ها از بازار کار، تعدیل نیروی کار آشکار و پنهان در شرکت‌ها و از بین رفتن کسب‌وکارهای خرد، بازتولید اجتماعی نیروی کار دچار مشکل شده است، به گونه‌ای که کسانی که کار خود را از دست می‌دهند به سبب از بین رفتن فرصت‌های شغلی جایگزین و کوچک شدن بازار کار امکان مشارکت در بازار کار و یافتن کار مشابه را از دست داده و به صف بیکاران دائمی اضافه می‌شوند.^۲ به عبارت دیگر، طرد جمعیت شاغل از بازار کار یا حاشیه‌ای شدن آن نیز منجر به تغییرات بیش‌ازپیش در سبک زندگی این افراد و محرومیتشان از امکانات زندگی می‌شود.

به حفظ مصرف و سبک زندگی پیشینشان است. بسیاری از افراد مورد مصاحبه به این موضوع اشاره کرده‌اند که تطابق با تغییرات در سبک زندگی سخت‌ترین بخش زندگی فعلی آنها است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد فشارهای اقتصادی وارد شده بر جامعه‌ی ایران و خصوصاً جامعه‌ی هدف این پژوهش، منجر به بروز تغییراتی در سبک زندگی برخی از اقشار طبقه‌ی متوسط شهری شده است. افزایش هزینه‌های فرهنگی خانوار، پوشاک و مواد غذایی منجر به کاهش آنها در سبد خانوار شده و متعاقباً منجر به افزایش تمایل به مصرف کالاهای با کیفیت پایین‌تر، تعمیر و استفاده‌ی مجدد و افزایش تمایل به خرید قسطی و یا نسبه شده است. چیزی که آزاد ارمکی و صادقی در بررسی سیاست معاش تهی‌دستان آن را خودمانی‌سازی بازار نامیده‌اند.^۱ در کنار این موارد هزینه‌های تفریحی مانند سفر از سفره‌ی بسیاری از خانوارهای طبقه‌ی متوسط حذف شده و عدم تمایل به فرزندآوری و حتی افزایش تمایل به مهاجرت به خارج کشور نمونه‌های دیگری از دگرگونی در سبک زندگی این طبقه است.

طبقه‌ی متوسط از لحاظ اقتصادی به رانت نفت وابسته است و با تشدید بحران اقتصادی روز به روز افراد بیشتری از این طبقه ریزش می‌کنند. این ریزش همراه با نارضایتی است. تغییر سبک زندگی افراد و ناامیدی نسبت به آینده باعث شده است تا از مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی فاصله بگیرند. بحران‌ها و اعتراضات سال‌های ۹۶ و ۹۸ همچنین نشان داد که حکومت، بیش از پیش خود را در مقابل مردم قرار داده و با آنها فاصله‌گذاری می‌کند.^۲ از دست رفتن اعتماد اجتماعی و بی‌توجهی به خواست‌های جامعه‌ی ایران منجر به کاهش فاصله‌ی میان اعتراضات شده است، همین امر باعث می‌شود، ناآرامی‌ها و نارضایتی‌ها در فواصل کوتاه‌تری تکرار شود.

۱ آزاد ارمکی و صادقی، «خودمانی‌سازی بازار»، ۲۷

۲ مدنی و دیگران، «آتش خاموش»، ۱۴۸

۳ مالجو، «سلب مالکیت»

۴ مالجو، «جامعه‌ی ناآرام»

Bibliography:

- Āzād Armaki, Taqi, and Alireza Sādeqi. "Xodemāni Sāzi-ye Bāzār; Tohidastān va Siyāsāt-e Ma'aš [Casualization of the Market, Poors and Livelihood Policy]." *Tose'-ye Maballi (Rustaei-Šabri)* 8, no.1 (spring 1395): 27-56.
- Bābāei Mehr, Ali, and Hosein Esma'il Nasab. 2014. "Dalāyel-e Ta'sirgozāri-ye Tahrīm-e Eqtesadi bar jazb-e Sarmāyehgozari-ye Xareji va San'at-e Naft va gāz-e Irān [The Reasons for the Impact of Economic Sanctions on the Foreign Investment and Iran's Oil and Gas Industry]." *2nd International E-Conference on Economy under Sacnctions*. (Babolsar 2014): 1-24.
- Bayāt, Āsef. "Street Politics: Poor People Movement in Iran", *In Iran: Siyasat-bay-e Xiyabani: Jonbeš-e Tohidastān-e dar Iran*. Translated by Asadollāh Nabavi. Tehran: Entešārāt-e Širāze-ye Ketābe-Mā, 1397.
- Bourdieu, Pierre. *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*. Translated by Richard Nice. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press, 1984.
- Boxāraei, Ahmad. "Tabxir-e Tabaq-e Motavasset dar Irān/ Har Sāl 5% be Āmār-e Eqdam beh Xodkoši Afzudeh Mišavad [Evaporation of the middle class in Iran / Every year 5% is added to the suicide attempt statistics]." interview by Mazāher Gudarzi, *Khabaronline*, 17 Ordibehesht, 1401. khabaronline.ir/news/1628481
- Cohen, Patricia. "Middle Class but Feeling Economically Insecure." *New York Times*, April 10, 2015. <https://www.nytimes.com/2015/04/11/business/economy/middle-class-but-feeling-economically-insecure.html>.
- Madani, Saeid. *Ātaš-e Xāmus: Negābi beb E'terāzāt-e Ābān-e 98 [A Silent Fire, On the Protests of November 2018]*. Tehrān: Mo'sseseh-ye Rahmān, 1399.
- Majles, Mo'āvenat-e Eqtesādi-ye Markaz-e Pažuhešhā-ye. *Tasviri az Vaz'iyat-e Eqtesādi-ye Kešvar: Cālešha va Rāhkarha*. [An image of the Country's Economic Situation: Challenges and Solutions] Tehrān: Markaz-e Pažuhešha-ye Majles-e Šoraye Eslami, 1399.
- Mālju, Mohammad. "Dorāhe-ye Nāgozir dar Bāzār-e Pul: Salb-e Mālekiyat az Ceh Kasāni [An Inevitable Dilemma in the Money Market: Expropriation from Whom?]" *Naqde Eqtesade Siasi*. August, 2018. Accessed June 20, 2022. <https://pecritique.com/2018/08/06/%D8%AF%D9%88%D8%B1%D8%A7%D9%87%D9%87%E2%80%8C%DB%8C-%D9%86%D8%A7%DA%AF%D8%B2%DB%8C%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D9%BE%D9%88%D9%84-%D8%B3%D9%84%D8%A8%E2%80%8C%D9%85%D8%A7%D9%84/>
- . "Ta'ammoli bar Jāme'y-e Nā-Ārām va Bohrānhāy-e Piš-e Ru [A Reflection on the Turbulent Society and the Upcoming Crises]." *Meydan*, October 27, 2018. Accessed June 22, 2022. <http://medn.me/rmugy9>
- Moslemian, Rāmin. "Enbesat va Enqebaz-e Bazar: Mahdudiathāy-e Neoliberalism-e Irāni [Market Expansion and Contraction: limitations of Iranian Neoliberalism]." *Meydan*, October 02, 2018. Accessed June 23, 2022. <http://medn.me/bgjq87>

No'mani, Farād, and Sohrāb Behdād. "Class and Labor in Iran. Did the revolution Matter?" In *Iran: Tabaqe va Kar dar Iran*. Translated by Mahmud Mottahed. Tehrān: Entešārāt-e Āgāh, 1393.

Parsons Leigh, Jeanna, Anne H. Gauthier, Roberta R. Iversen, Sigrid Luhr, and Laura Lapolitano. "Caught in between: neoliberal rhetoric and middle-income families in Canada and the United States." *Journal of Family Studies* 24, no.2(2018): 1-17.

Scott, Robert H., and Steven Pressman. "A Double Squeeze on the Middle Class." *Journal of Economic Issue* 45, no.2 (2011):333-342.

Wright, Erik Olin. "Approaches to Class Analysis", In *Iran: Ruykardhāei beh Tablil-e Tabaqāti*. Translated by Yusef Saffāri. Tehrān: Lāhitā, 1395.